

دکتر لطف اله یارمحمدی
مجید خسروی نیک

شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی

در عمل، تحلیل گفتمان در صدد کشف و تبیین ارتباط بین ساختار دیدگاه‌های فکری - اجتماعی و ساختارهای گفتمانی است (رک: فرکلاف، ۱۹۹۵؛ فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷). در این تحلیل بنا براین است که معنای کلام را باید در قواعده و مؤلفه‌های شکل دهنده گفتمان جست‌وجو کرد و حتی کسب هویت اجتماعی خاص منوط به غوطه‌ور شدن شخص در ساز و کار گفتمانی حرفه‌ای خاص است که ملکه ذهن نیز شده است. مطالبی که در باب گفتمان‌شناسی جسته و گریخته در ابران نوشته شده است اکثراً به تعریف و تحدید حدود و ثغور و کاربرد گفتمان محدود می‌شود (رک: آشوری، ۱۳۷۷، تساجیک ۱۳۷۸، حجاریان، ۱۳۷۹ و کدیور ۱۳۷۹). اما هنوز مطلب خاص نظام‌مندی در زمینه روش تحلیل به جز دو رساله کارشناسی ارشد در شیراز (خسروی نیک، ۲۰۰۰ و قانع، ۲۰۰۱) نگاشته نشده است. در این مقاله سعی بر آن است که شیوه‌ای مقدماتی برای تحلیل ارائه شود.

مقدمه
گفتمان به تلازم گفته^۱ با کارکرد اجتماعی^۲ یا معنایی آن تعبیر شده است (رک: یارمحمدی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰). از این رو تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه ساز و کار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته (یا متن) با کارکردهای فکری - اجتماعی. طبیعی است که کارکردهای ما از دیدگاه‌های کلی و جمعی ما سرچشمه می‌گیرد. این دیدگاه‌ها نظام‌مند و سازمان یافته‌اند و از این جهت به نظام یا ساختار دیدگاه فکری - اجتماعی^۳ تعبیر شده‌اند. دیدگاه فکری - اجتماعی یا ایدئولوژی نیز به مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مندی که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است اطلاق می‌شود (رک: یارمحمدی، ۱۳۷۹).
تبلور این دیدگاه‌ها به صورت کارکرد فکری - اجتماعی از طریق مؤلفه‌های خاصی در متن به نام ساختارهای گفتمانی^۴ انجام می‌شود. چهار مورد از این مؤلفه‌ها در بخش ۲ همین مقاله توضیح داده شده‌اند. پس

۲- روش کار

۲-۱- ابزار تحلیل

عمل می‌شود. و ما فرآیند پیچیده‌ای را در ظاهر ساده جلوه می‌دهیم و بالاخره اسامی حاصل از این فرآیند (از قبیل مردن و مرگ) رفته رفته هویت ثابتی پیدا می‌کنند و وارد فرهنگ لغات می‌شوند و در نتیجه ذخیره شناختی و ادراکی زبان را در ذهن تحت تأثیر قرار می‌دهند و این خود رفتار اهل زبان را در نهایت تغییر می‌دهد.

گفته شد که در تحلیل گفتمان ارتباط بین ساختارهای گفتمانی و دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان بررسی و توصیف و توجیه می‌شوند. ساختارهای گفتمانی مشخصه‌های زبان شناختی‌ای هستند که دیدگاه اجتماعی (یا ایدئولوژی) خاصی را منعکس می‌نمایند. همه اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان خواه ناخواه به نوعی با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط هستند. ولی بعضی از این ساختارها برجستگی بیشتری دارند.

در این تحقیق چهار ساختار گفتمانی برجسته انتخاب و در تجزیه و تحلیل به کار گرفته شده‌اند این چهار ساختار در زیر توضیح داده شده‌اند.

ج - به کارگیری مجهول در برابر معلوم یا برعکس
گاهی به جای استفاده از فعل معلوم از فعل مجهول آن بهره می‌گیریم. مثلاً به جای «حسن علی را کشت» می‌گوییم «علی توسط حسن کشته شد» و یا «علی کشته شده».

جمله معلوم با حسن آغاز می‌شود، یعنی حسن اجازه^۹ محسوب می‌شود، لذا موضوع سخن حسن است. در جملات دوم و سوم علی آغاز است. بنابراین موضوع سخن علی خواهد بود نه حسن. از طرفی در جمله سوم حسن کلاً حذف شده است. یعنی به طور عمده و با نیت قبلی (یا احیاناً عدم اطلاع) با حذف عمده عامل این بخش از حقیقت فاش نشده و به پنهان‌سازی روی آورده شده است.

در جمله دوم رابطه عامل و علت عمل با خود عمل کمرنگ تر شده است.

در جمله سوم دیگر علت مورد توجه نیست، بلکه جمله به صورت جمله شبه ربطی درآمده است که وقوع واقعه‌ای (یا عمل انجام شده‌ای) را به فردی (یعنی علی) اسناد می‌دهد و لفظ کشته نیز حالت صفت پیدا کرده است. به عبارت دیگر جمله کنشی^{۱۰} حسن علی را کشت که با حرکت و پرتاب و تاب است در اثر تبدیل به علی کشته شد به جمله‌ای با سکون و با عملی انجام شده تغییر پیدا کرده است. یعنی عمل به صورت حالت درآمده و جمله نیز اکنون تاحدی صورت ربطی دارد تا کنشی.

الف - گزینش لغات و تعبیرات خاص (نام‌دهی)

انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیا و فعالیت‌ها منعکس کننده دیدگاهی خاص است که می‌تواند بار منفی داشته باشد یا مثبت. مثلاً آمریکایی‌ها بمب اورانیومی را که در هیروشیما منفجر کردند و هزارها نفر را کشتند «مرد چاق»^۵ و بمب پلاتونیومی را که در ناکازاکی منفجر کردند «پسر کوچولو»^۶ نام گذاشته‌اند. به همین ترتیب «موشک با برد بلند»^۷ را «مرد لحظه‌ای»^۸ خوانده‌اند. با انتخاب این تعبیرات و نام‌ها در حقیقت برآن‌اند که بر واقعیت و حشمتناکی که بر انفجار این ادوات مترتب است پوششی فراهم آورند (رک: یارمحمدی، ۱۳۷۸).

ب - فرآیند اسم‌سازی

بسیاری از اوقات در بیان انجام عمل توسط فعل از مصدر یا حاصل مصدر و یا به تعبیر دیگر از عبارت اسم شده جمله یا فعل استفاده می‌کنیم. مثلاً به جای «مهدی حسن را دیروز کشت و من ناراحت شدم»، می‌گوییم «کشته شدن حسن مرا ناراحت کرد». در جمله اول عامل کشتن مشخص است و عمل کشتن نیز با مقایسه با جمله دوم دارای تأکید بیشتر است. یعنی اینکه در جمله دوم توجه از عاملین و مشارکین عمل به خود عمل (و در بعضی موارد به پذیرنده عمل) معطوف می‌گردد. و ممکن است بدین ترتیب عامل عمل نیز ناشناخته بماند. با اسم‌سازی، گویندگان می‌توانند زمان و شیوه انجام عمل را که از لوازم جمله یا فعل است مکتوم دارند. از طرفی روابط پیچیده‌ای که بین اجزای جمله‌ای چون مهدی حسن را دیروز کشت وجود دارد با تبدیل شدن آن به کشته شدن حسن کلاً از بین می‌رود. به علاوه تعبیر اسمی حاصله از فرآیند اسم‌سازی می‌تواند نقش عامل یا پذیرنده عمل را در جمله جدید بازی کند که این خود موجب ابهام و پوشیدگی

د - بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله

در درون و بیرون ما هر روزه اتفاقاتی می‌افتد و حالانی رخ می‌دهد. مثلاً به جملات زیر توجه فرمایید.

۱- حسن توپ را پرتاب کرد.

۲- حسن آن عکس را دوست دارد.

۳- ساختمان فرو ریخت.

۴- حسن به آن عکس نگاه کرد.

۵- حسن شجاعت دارد.

۶- حسن باهوش است.

۷- حسن دکتر است.

در جمله اول عمل پرتاب کردن از حسن (عامل) سرزده و اثر آن به توپ (پذیرنده) رسیده است. عمل

پرتاب کردن در این جا حکم واقعه و اتفاقی^{۱۱} را دارد و حسن و توپ دو شیء یا موجود^{۱۲} هستند که با این واقعه در ارتباط اند. عمل پرتاب کردن عملی فیزیکی است و الگوی جمله نیز الگوی «باتعدی»^{۱۳} است. در جمله دوم عمل دوست داشتن از حسن به عکس تسری پیدا کرده است، لذا الگوی جمله ۲ مانند جمله ۱ با تعدی است. منتها عمل، عمل ذهنی^{۱۴} است. در جمله ۳ فقط یک شیء وجود دارد که در این حالت خود شیء پذیرفته است و البته در جمله حسن خندید خود حسن عامل است. بنابراین جمله، جمله‌ای بی‌تعدی^{۱۵} و فیزیکی است. جمله چهارم هم بی‌تعدی است با این که در این واقعه دو موجود ذی‌مدخل اند منتها عمل آن عملی است ذهنی. تمام این چهار جمله کنشی^{۱۶} هستند. ولی سه جمله ۵ و ۶ و ۷ ربطی^{۱۷} اند. در جملات کنشی تحرک و تب و تاب و جریان کار وجود دارد در حالی که در جملات ربطی حالت سکون و آرامش و در عین حال برقراری ارتباط بین دو پدیده است. جملات ۵ و ۶ وصفی^{۱۸} و جمله ۷ اسنادی^{۱۹} است. به علاوه جمله ۵ را می‌توان وصفی کیفی^{۲۰} و جمله ۶ را وصفی ملکی^{۲۱} نامید.

در این جا لازم است اضافه شود که تعبيرات با تعدی و بی‌تعدی با تعبيرات متعدی و لازم در دستور فرق دارد. متعدی و لازم مفاهیم نحوی و صوری هستند. حال آن‌که با تعدی و بی‌تعدی مفاهیم معنایی اند. مثلاً جمله «حسن فوتبال بازی می‌کند» از لحاظ نحوی متعدی ولی از لحاظ معنایی بی‌تعدی است. توضیحات بالا نشان می‌دهد که در فهم شکل‌گیری و انسجام وقایع، مسئله علیت بسیار مهم است. یعنی این که باید بدانیم چه کسی کار را آغاز کرده و چه کسی یا چیزی متأثر از این کار شده است. چهار الگوی کنشی گونه‌های مشخص علیت را نشان می‌دهند. طبیعی است اگر متنی بخواهد به وضوح علیت را نشان دهد از این الگوها بهره می‌گیرد. ولی بسیاری از اوقات در طرح دیدگاه اجتماعی و فکری خود افراد نمی‌خواهند علت وقایع را عریان بیان کنند و می‌خواهند آن را رازگونه^{۲۲} و پوشیده عرضه کنند. در این حالت از الگوهای کنشی استفاده نمی‌کنند یا گونه‌های اسم شده^{۲۳} و مجهول آنها را به کار می‌گیرند و یا از الگوهای ربطی که حالت جاف‌تاده را نشان می‌دهد استفاده می‌کنند.

وظیفه عمده الگوهای ربطی طبقه‌بندی^{۲۴} یا ارزش‌گذاری^{۲۵} است. دو مسئله طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری از مسائل بسیار مهم تحلیل توجیهی گفتمانی است. ما بر حسب دیدگاه اجتماعی و فکری خویش اشیا، حوادث و اعمال خود و مردمان را طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری

در جملات کنشی تحرک و تب و تاب و جریان کار وجود دارد در حالی که در جملات ربطی حالت سکون و آرامش و در عین حال برقراری ارتباط بین دو پدیده است

می‌کنیم. مثلاً بعضی‌ها را «خودی» و برخی دیگر را «غیرخودی» طبقه‌بندی می‌کنیم. بعضی اعمال را خوب قلمداد می‌کنیم و برخی دیگر را بد ارزش‌گذاری می‌نماییم. گاهی جملات کنشی را برای منظوره‌های خاص به ربطی تبدیل می‌کنیم، مثلاً حسن خوب آشپزی می‌کند را به حسن آشپز خوبی است تبدیل می‌کنیم. علاوه بر چهار ساختار گفتمانی که در بالا به اختصار توضیح داده شد ساختارهای دیگری چون عوامل وجه نما^{۲۶} وجود دارد. ولی در این پژوهش به اعمال همین چهار ساختار در تحلیل متون مورد پژوهش بسنده شده است.

۲-۲- دو متن مورد بررسی

در این پژوهش دو نمونه در باب یک موضوع مشخص مربوط به حادثه کوی دانشگاه تهران در تیرماه ۱۳۷۸ مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که سرمقاله و یادداشت‌های مخصوص در روزنامه‌ها در حد زیادی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی گروه و نویسندگان وابسته به آنها را منعکس می‌کند، نمونه‌ها از بین سرمقاله‌ها انتخاب شده‌اند. مشخصات این دو متن در بخش ۳ داده شده است.

۲-۳- شیوه تحلیل

در تحلیل متن‌ها ابتدا مشخصات متن یعنی موضوع، تاریخ انتشار، عنوان متن و فهرست جملات و تعبيرات گفتمان‌مدار نمونه داده می‌شود، آنگاه زیربنای فکری و اجتماعی متن در چند سطر عنوان می‌شود و در مرحله

بعد با به کارگیری چهار ساختار گفتمانی مشروح در بالا متن تحلیل می‌شود و در نهایت بر اساس تحلیل بحثی کلی عرضه می‌گردد. برای این‌که سازوکار این تحلیل برای خواننده روشن گردد دو نمونه از این متن‌ها در زیر تحلیل می‌شوند. شاید بد نباشد خاطر نشان گردد که این تحلیل‌ها، تحلیل گفتمان‌شناختی عینی از دیدگاه نویسندگان متون هستند. طبعاً با دیدگاه نویسندگان این مقاله ارتباطی ندارند. اگر چنین بود کار ما ذهنی و احساسی تلقی می‌شد و دیگر نمی‌توانستیم بر آن نام نوشته علمی بگذاریم.

۳- تحلیل گفتمانی دو متن نمونه

۳-۱- نمونه اول

روزنامه خرداد، ۲۰ تیرماه ۱۳۷۸

موضوع: واقعه کوی دانشگاه

عنوان مقاله: مسیبان و عاملان حادثه کوی دانشگاه مجازات شوند

جملات و تعبیرات گفتمان‌مدار در نمونه اول:

سطر ۱۰۱- هزاران دانشجوی دانشگاه‌های تهران در اعتراض به... توسط افراد نظامی که با ورود غیرقانونی به محوطه خوابگاه‌ها... تجمع کردند.

سطر ۱۹-۱۳: ... از مقام‌های مسئول خواستند هرچه سریع‌تر به این موضوع رسیدگی کنند. تجمع‌کنندگان از مراجع و... خواستند ریشه‌های نظری و مبانی تئوری حرکت‌ها را در... بخشکانند.

سطر ۲۶-۲۲: آنان هم‌چنین از مقام‌های مسئول... خواستند تا در جهت پایان بخشیدن به تشنج و ناآرامی اقدام کنند.

سطر ۴۱-۳۴: اجتماع‌کنندگان در عین حال از شورای امنیت ملی... خواستند تا رسماً از وقوع این حوادث و شکسته شدن امنیت دانشگاه، عذرخواهی کنند. دانشجویان هم‌چنین خواستار اقتدار رئیس‌جمهور بر اساس تعهد قانونی خود... شدند.

سطر ۵۰-۴۶: آنان قاطعانه اعلام کردند که تحصن و حرکت خودجوش خود را تا رسیدگی دقیق به ماجرای مشکوک حمله به خوابگاه دانشجویان و شناسایی و مجازات عاملان این حرکت جنایت‌کارانه ادامه خواهند داد.

سطر ۷۱-۶۷: ... اما پاره‌ای فرماندهان بی‌مسئولیت و نالایق این حرمت را شکستند... که نیروی انتظامی به خوابگاه دانشگاه آن حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده...

سطر ۹۷-۹۲: دانشجویان با انتقاد از عملکرد صدا و سیما در پخش اخبار یکسویه و غیر واقع نسبت به پخش خبر

کذب درگیری دانشجویان با مردم اعتراض کرده و انعکاس دروغ و غیرواقع اخبار مربوط به تحصن دانشجویان را محکوم کردند.

سطر ۱۰۳-۱۰۰: ... با تسلیت به فاجعه دیدگان خواستار... شدند.

سطر ۱۰۹-۱۰۵: ... سخنان خود با اشاره به خصلت‌های آرمان‌گرایی و دفاع از حقیقت، صادقانه عمل کردن و عدم وابستگی دانشجویان به کانون‌های قدرت اظهار داشت... سطر ۱۴۷-۱۴۵: بیش از دو هزار نفر از دانشجویان که عده کثیری از مردم نیز به صف آنها پیوسته بودند، با راه‌پیمایی...

سطر ۱۷۶-۱۷۵: وی با محکومیت تجاوز و وحشیانه به کوی دانشگاه تهران...

سطر ۲۱۴-۲۱۳: وی هم‌چنین تلاش برای تشکیل کمیته رسیدگی‌کننده به این فاجعه را یادآور شد.

سطر ۲۲۹-۲۲۶: ... با سرودن شعارهایی به تجمع آرام ولی اعتراض‌آمیز ادامه دادند که جمع کثیری از مردم نیز در این تحصن حضور داشتند.

۱. ساختار زیربنایی دیدگاه فکری - اجتماع ۲۷

نویسنده مقاله بر آن است که موضوع حادثه کوی را هر چه بیشتر بزرگ جلوه دهد، دانشجویان را مظلوم و قربانیان حادثه قلمداد کند و حمله‌کنندگان را نیز به عنوان گروه‌های تندرو و در بین نیروهای انتظامی به ویژه فرماندهان آنها که به قانون پای‌بند نیستند معرفی نماید. دانشجویان عناصر آرمان‌گرا، صادق و فعال هستند که مسئولان (من جمله رئیس‌جمهور) را به چالش طلبیده‌اند تا جلدی عمل کنند. به علاوه آنان در مقابل فاجعه تا احقاق حق با شدت وحدت ضمن ادامه تظاهرات پایداری خواهند کرد.

ما بر حسب دیدگاه اجتماعی

و فکری خویش اشیا، حوادث و اعمال خود و

مردمان را طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری می‌کنیم.

مثلاً بعضی‌ها را «خودی» و برخی دیگر را

«غیرخودی» طبقه‌بندی می‌کنیم

۲. ساختارهای گفتمانی^{۲۸}

الف - گزینش لغات و تعبیرات خاص (نام‌دهی)

سطر ۱: تعبیر «هزاران دانشجو» به عنوان اولین کلمه بند آغاز «مبتداسازی» شده است تا نشان دهد که موضوع سخن تعداد بی‌شماری دانشجویست و خبر از خیل عظیم تظاهرکنندگان می‌دهد.

سطر ۵: در این جا عبارت «توسط افراد نظامی... ورود غیرقانونی» به کار گرفته شده است تا حمله‌کنندگان را به عنوان گروهی که به قانون پای‌بند نیستند معرفی کند و پلیس را به عنوان عامل هتک حرمت در انجام اعمال غیرقانونی جلوه دهد.

سطر ۱۸: با کاربرد جمله «... ریشه‌های نظری و مبانی تئوری این حرکت‌ها را... بخشکانند» نویسنده اعلام می‌کند که این اعمال در جاهای دیگر ریشه دارد.

سطر ۴۷-۵۰: با تعبیرات «... گفتن و حرکت خودجوش... ادامه خواهند داد» نشان داده می‌شود که دانشجویان به جایی وابسته نیستند و اعتراض آنها تا احقاق حق ادامه خواهد داشت. عملیات علیه دانشجویان به عنوان «حرکت جنایتکارانه» قلمداد شده است.

سطر ۶۷-۷۰: جمله «فرماندهان بی‌مسئولیت... حرمت را شکستند» نشان می‌دهد که دستور حمله توسط فرماندهان نیروی انتظامی بی‌مسئولیت داده شده است و اینان هستند که حرمت دانشگاه را رعایت نکرده‌اند و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

سطر ۹۶: برای نشان دادن پوشش نادرست اخبار توسط صدا و سیما از عبارت «انعکاس دروغ» استفاده شده است.

سطر ۱۰۱: از دانشجویانی که در هنگام حمله در خوابگاه بوده‌اند به عنوان «فاجعه دیدگان» نام برده شده است.

سطر ۱۰۵-۱۰۹: برای توصیف دانشجویان از صفات «آرمان‌گرایی»، «دفاع از حقیقت» و «عدم وابستگی» استفاده شده است.

سطر ۱۴۶: عبارت «عده کثیری» اشاره به تعداد زیادی است که برای طرفداری از دانشجویان آمده بودند.

سطر ۱۷۵: تعبیر «تجاوز وحشیانه» برای توصیف رفتار نیروی انتظامی به کار برده شده است.

سطر ۲۱۴: واقعه شب قبل به «این فاجعه» تعبیر شده است.

سطر ۲۲۷: عبارات «تجمع آرام» در توصیف کیفیت مطلوب تظاهرات به کار گرفته شده است.

سطر ۲۲۸: تعبیر «جمع کثیری» نمایانگر حضور تعداد زیاد جمعیت حاضر در تظاهرات است.

ب: فرایند اسم‌سازی

سطر ۱۶: عبارت «تجمع‌کنندگان» که صورت اسم شده «تعدادی تجمع کردند» است در این جا به کار رفته تا تأثیر عمل تجمع کم شود و در معرض تأثیر فعل بعدی یعنی خواستند که فعل اصلی است زیاد شود.

سطر ۳۴: تفسیر کاربرد «اجماع‌کنندگان» مانند آنچه در مورد سطر ۱۶ آمده است می‌باشد.

سطر ۳۹: در این جا برخلاف بسیاری از موارد در سطور قبل که از فعل خواستند که تا حدی جنبه امر و دستور دارد استفاده شده، در مورد خطاب به رئیس جمهور از خواستار (یعنی صورت اسمی شده آن) بهره گرفته شده است تا جنبه امری عمل کم شود و حالت مؤدبانه به خود گیرد.

ج: به کارگیری مجهول به جای معلوم و برعکس

سطر ۱۴، ۱۷ و ۲۵: فعل «خواستند» در جمله‌های معلوم و به صورت معلوم به کار گرفته شده‌اند تا عاملان برجستگی خاص پیدا کنند.

سطر ۴۶: در «آنان اعلام کردند... ادامه خواهند داد» جمله به صورت معلوم آمده است تا عاملان یعنی دانشجویان به عنوان عاملان فعال اجتماعی برجستگی پیدا کنند.

سطر ۹۵-۹۷: تفسیر «اعتراض کردند... محکوم کردند» همانند آنچه در مورد سطر ۴۶ آمده است می‌باشد.

سطر ۱۱۳: در «دفتر تحکیم وحدت... اعلام کرد» به دفتر تحکیم وحدت به عنوان عامل جمله معلوم برجستگی داده و آن را فعال قلمداد کرده است.

موارد دیگری از نسخ تعبیرات سطرهای ۹۵-۹۷ و ۱۱۳ در متن دیده می‌شود که دانشجویان در مرکز ثقل توجه قرار دارند و جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

د - بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله

سطر ۱۴، ۱۷ و ۲۵: افعال «خواستند»، در عین حال که معلوم‌اند با تعدی نیز هستند و در نتیجه انجام عمل را تشدید می‌کنند. به کار تحرک می‌بخشند و تأکید دارند که خواست تظاهرکنندگان توسط مقامات مسئول و مربوط جامعه تحقق پوشد.

سطر ۳۸-۳۴: در «اجتماع‌کنندگان از... خواستند... عذرخواهی کنند» افعال با تعدی به کار رفته‌اند تا عمل و تقاضای انجام امر مورد نظر بیشتر تأکید شود. در حالی که در همین حال می‌توان از تعبیر متناظر بی‌تعدی و یا ربطی آن چون خواستار شدند استفاده کرد. بهره‌گیری از تعبیرات با تعدی به روشنی حالت گفتمان‌مداری این تناظر را نشان می‌دهد. به کارگیری این تعبیرات حرارت بیشتری به نفس انجام عمل می‌بخشد و نیروهای مؤثر را به چالش

می‌کشد تا عکس‌العمل مناسب از خود بروز دهند. سطر ۳۹-۴۱: به کارگیری «خواستار... شدند» جمله را از حالت کنشی به ربطی تبدیل کرده است و نشان می‌دهد که برخوردار نویسنده با رئیس جمهور (نسبت به دیگران) متفاوت است. رئیس جمهور به این ترتیب «خودی» قلمداد، و عمل به صورت مؤدبانه عرضه می‌شود و جنبه دستوری آن نیز تلطیف می‌شود.

سطر ۴۶: در این جا افعال صورت کنشی با تعدی دارند که منتهای تحرک و تب و تاب را منعکس می‌کنند. نویسنده می‌توانست مثلاً به جای ادامه خواهند داد از ادامه خواهد یافت استفاده کند که در آن صورت عاملان برجستگی خود را از دست می‌دادند و فعل نیز حالت بی‌تعدی به خود می‌گرفت و اساساً نیاز به ذکر عاملان نبود، بلکه بر پذیرنده تأکید می‌شد، مانند تظاهرات ادامه خواهد یافت.

سوم - بحث

با توجه به تحلیل گفتمانی بالا نکات کلی زیر را می‌توان عرضه کرد:

۱. حادثه کوی دانشگاه به عنوان عملی جنایتکارانه تلقی می‌شود و گروهی که پای‌بند به قانون نیستند عامل این حادثه بوده‌اند.
۲. قربانیان اصلی این حادثه دانشجویان هستند که مظلوم واقع شده‌اند.
۳. نیروی انتظامی و فرماندهان آن (و احیاناً گروه‌های فشار) عاملان اصلی فاجعه قلمداد می‌شوند.
۴. دانشجویان به عنوان نیروهای آرمان‌گرا، صادق و فعال تا احقاق حق از پای نخواهند نشست و مسئولان باید هر چه زودتر مسببان را مجازات نمایند.
۵. صدا و سیما نیز اخبار درست فاجعه را منعکس نمی‌کند.

۲-۳- نمونه دوم

روزنامه رسالت، ۲۰ تیر ۱۳۷۸

موضوع: واقعه کوی دانشگاه

عنوان مقاله: همه ابعاد حادثه

جملات و تعبیرات گفتمان‌دار در نمونه دوم:

سطر ۷-۹: به نظر می‌رسد حرکت تحریک‌آمیز گروهی در ساعت ۲۰/۳۰ شب پنجشنبه در حمایت از روزنامه سلام صورتی از یک سناریوی پنهانی است.

سطر ۱۱-۹: ... امیدوارم مسئولان مربوطه به آن توجه و اعلام کنند این تظاهرات در کدام مرکز دانشگاهی و غیردانشگاهی سازمان‌دهی شده بود.

سطر ۱۷-۱۹: اما چرا گروهی در ساعات پایانی شب تصمیم می‌گیرند از کوی دانشگاه خارج شده و با ایجاد

مزاحمت برای مردم با شعارهای تحریک‌کننده علیه مسئولان کشور راه‌پیمایی کنند.

سطر ۲۰-۲۱: به نظر می‌رسد وزارت اطلاعات نیز از تهدیدات مربوط به تشنج آفرینان مطلع بوده است.

سطر ۲۷-۳۱: اگر قرار است همه ابعاد یک حادثه مورد بررسی قرار گیرد باید تظاهرات غیرقانونی، ریختن به خیابان و شعار علیه نظام و مسئولان و پرتاب مواد آتش‌زا محکوم و سپس با عوامل انتظامی متخلف نیز برخورد شود.

سطر ۳۲-۳۴: نمی‌توان از نیروی انتظامی انتظار داشت در مقابل گروهی که فاقد مجوز قانونی برای تظاهرات‌اند به وظیفه قانونی خود عمل نکند.

سطر ۳۶-۳۷: به دنبال تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، برخی پروژه «مقاومت» را علناً مطرح کردند.

سطر ۵۲-۵۳: لذا شورای امنیت ملی باید نقش برخی مطبوعات تحریک‌کننده را مورد بررسی قرار دهد.

سطر ۵۵-۵۸: در چنین شرایطی مداخله عناصر مشکوک در درگیری کوی و بی‌تدبیری نیروی انتظامی در ورود به کوی توانست چهره اصلی طراحان را تحت‌الشعاع قرار دهد.

سطر ۶۱-۵۹: استعفا غیر قابل توجیه وزیر فرهنگ و آموزش عالی جز یک عمل تبلیغاتی ناشی از ضعف و شعله‌ور ساختن بحران چه کمکی به حل ماجرا می‌توانست بکند؟

سطر ۶۸-۶۷: دانشجویان انقلابی باید بدانند فرصت طلبان بسیاری در حاشیه آنان کمین کرده‌اند.

سطر ۷۴-۷۱: برخوردهای خشونت‌آمیز با عابرن، آتش زدن موتور سیکلت، مزاحمت برای مردم و... از شأن تشکل‌های دانشجویی و مدعیان مخالفت با خشونت به دور بوده و هست.

یکم - زیربنای ساخت دیدگاه فکری - اجتماعی

نویسنده این متن بر آن است که مسائل و رخداد‌های قبل و بعد از درگیری اصلی کوی دانشگاه را برجسته کند و درگیری اصلی در کوی را در حاشیه قرار دهد. نویسنده اصولاً از کنار دانشجویان به عنوان قربانی اصلی شب حادثه می‌گذرد. متن بدون اشاره مستقیم سعی در وارد کردن ابهامات تازه و به هم ریختن افکار عمومی و انحراف آن از جهت‌گیری علیه مسببان دارد. و به خصوص سعی دارد جریان شب حادثه و نیروی انتظامی و مهاجمان را در حاشیه قرار دهد.



دوم - ساختار گفتمانی

الف - گزینش نوع لغت و تعبیر (نام‌دهی)

سطر ۷: اعتراض دانشجویان علیه تعطیلی روزنامه سلام در شب حادثه با تعبیر «حرکت تحریک‌آمیز گروهی» توصیف می‌شود. لفظ «گروهی» اشاره به جمعی ناشناخته و بدون هویت دارد که برای اشاره به دانشجویان به کار رفته است. بدین ترتیب ضمن تضعیف پایگاه و هویت افراد درگیر حادثه از اشاره به «دانشجویان» که بار ارزشی مثبت در جامعه دارد نیز اجتناب شده است. صفت تحریک‌آمیز نیز دخالت پلیس را در درگیری توجیه می‌کند. سطر ۹: بدون وارد شدن به جزئیات حادثه کل حادثه به عنوان «سناریوی پنهانی» توصیف می‌شود که اشاره به طراحی مسئله علیه نیروی انتظامی در خفا دارد. سطر ۱۸: اعتراض دانشجویان با عنوان «ایجاد مزاحمت» توصیف می‌شود.

سطر ۱۹: شعارهای داده شده با عنوان «تحریک‌کننده» یاد می‌شود.

سطر ۲۱: افراد حاضر «تشنج‌کنندگان» نامیده می‌شوند.

سطر ۲۴: به همین ترتیب کلمه «بحران آفرینان» اشاره به طراحان پشت پرده دارد.

سطر ۲۹: «تظاهرات غیرقانونی»، «ریختن در خیابان»، «شعار علیه مسئولان نظام» و «پرتاب مواد آتش‌زا» به دانشجویان نسبت داده شده است.

سطر ۳۲: عملکرد نیروی انتظامی با عنوان «وظیفه قانونی» توصیف می‌شود.

سطر ۳۷: از مخالفان «طرح اصلاحات قانون مطبوعات» به عنوان «برخی» یاد می‌شود که به افرادی بی‌هویت و ناشناس و بدون جایگاه اجتماعی مشخص اشاره دارد.

سطر ۳۷: کار دانشجویان و سازمان‌دهندگان قضیه به عنوان «مقاومت در برابر قانون» توصیف می‌شود.

سطر ۵۲: روزنامه‌های حامی دانشجویان «مطبوعات تحریک‌کننده» لقب می‌گیرند.

سطر ۵۶: به حضور «عناصر مشکوک» در درگیری و حادثه اشاره می‌شود.

سطر ۶۰: استعفای وزیر، در حمایت از دانشجویان با عنوان «عمل تبلیغاتی» نام برده می‌شود.

سطر ۶۰: استعفای وزیر در حمایت از دانشجویان با عنوان «عمل ناشی از ضعف» نام برده می‌شود.

سطر ۶۸: به حضور «فرصت‌طلبان» در میان دانشجویان اشاره می‌کند.

ب - فرآیند اسم‌سازی

سطر ۲۹: «تظاهرات غیرقانونی»، «پرتاب مواد آتش‌زا»، «ریختن در خیابان» به صورت اسمی به کار رفته‌اند و

بنابراین به عاملان احتمالی آن، یعنی دانشجویان، به اوضاع و کیفیت عمل اشاره نمی‌شود. نویسنده از اشاره مستقیم به انجام این اعمال از طرف دانشجویان خودداری می‌کند، تا خود عمل برجسته شود و دخالت پلیس توجیه گردد. البته اثرات ناشی از این اعمال به طور غیرمستقیم به دانشجویان برمی‌گردد.

سطر ۷۳: کاربرد «برخوردهای خشونت‌آمیز با عابران»، «آتش زدن موتور سیکلت»، «مزاحمت برای مردم» و... بدون اشاره به عاملان عملیات پلیس را توجیه می‌کند.

ج - به کارگیری معلوم در برابر مجهول

سطر ۳۷: تعبیر «برخی» به عنوان عامل فعل‌های «مطرح کردند» و «تحریک کردند» مطرح می‌شود. این جمله‌ها هر چند از نظر ساختار معلوم اما از لحاظ بار اطلاعاتی مجهول هستند. برخی هیچ بار اطلاعاتی و محتوایی ندارد و در عین حال ساختار معلوم جمله بر مرجع نامعلوم «برخی» تأکید می‌کند و به آن در انجام عمل، نقش عامل می‌دهد.

سطر ۶۸: در «کسین کردند» نقش عامل آن یعنی «فرصت‌طلبان» برجسته می‌شود.

د - بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله

سطر ۱۱: تعبیر «سازمان‌دهی شده بود» معادل نزدیک «سازمان یافته بود» است. با هر دوی این تعبیرات کلماتی مثل «تظاهرات»، «اعتراضات»، «درگیری‌ها» به کار رفته است. یا هر دو تعبیر کلماتی چون «کسانی»، «افرادی»، «گروهی» و غیره باید عمل سازمان‌دهی را انجام داده باشند. از این جهت اثر این کنش‌ها به عنصر اسمی دیگر مانند «تظاهرات» و یا «اعتراضات» تعدی می‌کند.

بدین ترتیب در شکل مجهول فعل «سازمان دادن» به صورت «سازمان دهی شده بود» از ذکر عامل عمل خودداری می‌شود که خواننده با توجه به بافت متن باید آن را بازسازی کند. این عامل می‌تواند «افرادی در یک مرکز دانشجویی»، «فرصت طلبان» و «بعضی از مقامات دانشگاهی» باشند. اتفاقاً این عدم اشاره مستقیم به عاملان، با نیت نویسنده سازگار است. زیرا نویسنده یا از هویت این افراد مطمئن نیست و یا نمی‌خواهد با اعلام آنها مورد انتقاد قرار گیرد و یا در دسری برایش درست شود.

سوم - بحث کلی

با عنایت به تحلیل گفتمانی فوق می‌توان نکات کلی زیر را ارائه داد.

۱- اتفاقات شب اصلی حادثه از قبل در یک نهاد رسمی که تحت کنترل گروه اصلاح طلب است طراحی و برنامه‌ریزی شده است. یعنی اتفاق و درگیری اصلی امری حاشیه‌ای است.

۲- بعضی از دانشجویان (به طور غیرمستقیم) تا حدی مقصود ولی مقصران اصلی عناصر مشکوک و اصلاح طلبان تحریک‌کننده‌ای می‌باشند که موجب گسترش حادثه شده‌اند.

۳- نیروی انتظامی آنچه را که وظیفه‌اش بوده انجام داده و ناهنجاری‌های پیش‌آمده پیامد طبیعی واکنش نیروی انتظامی بوده است.

۴- روزنامه‌های گروه رقیب و مسئولان وابسته به آنها عامل اصلی در بروز و گسترش بحران بوده‌اند.

۴ - نتیجه‌گیری و تکمله

در این مقاله نشان داده شده که برخی از ویژگی‌ها یا ساختارهای زبانی گفتمان‌مدار^{۲۹} هستند. یعنی به کارگیری یا عدم استفاده و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته یا متن باعث می‌شود که از گفته برداشت‌های متفاوتی بشود، مطلبی پوشیده و یا مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند. بخشی از گفته را برجسته نماید، بخشی را در حاشیه قرار دهد و بالاخره در متن، لایه‌های زیرین و زبرین ایجاد کند. از طریق کشف و بررسی و تبیین و توجیه این ساختارها و با به کار گرفتن این مؤلفه‌ها در تحلیل متون ما قادریم متن را بکاوییم و به لایه‌های زیرین آن برسیم و به پیام واقعی که در چارچوب دیدگاه فکری - اجتماعی سازمان داده شده است دست یازیم که خود کاری است بس سترگ.

وقتی به ساز و کار ساختارهای گفتمانی آگاه شدیم می‌توانیم آنها را دستکاری^{۳۰} کنیم و از این رهگذر

دیدگاه‌های فکری - اجتماعی را به سمت و سویی که مایلیم و یا فکر می‌کنیم مناسب است جهت دهیم و در نتیجه به شکل دادن تفکر و رفتار جمعی به سمت و سوی مشخص تأثیر بگذاریم.

می‌دانیم ما از دو طریق می‌توانیم رفتار دیگران را کنترل کنیم. یکی از طریق زور و دیگری از طریق تأثیر در دیدگاه آنان. طبیعی است وقتی دیدگاه در جهت مورد نظر تغییر پیدا کرد رفتار مورد نظر با طیب خاطر صورت خواهد گرفت. واضح است که کنترل با رضایت بهتر از کنترل با زور است. با این توضیح ساده اهمیت تحلیل گفتمان نظری و کاربردی به کارگیری عالمانه نتایج آن در تعدیل روابط قدرت در ارکان جامعه، هدایت تحولات سیاسی و اجتماعی، سازمان‌دهی مناسب وسایل ارتباط جمعی به ویژه در جهت ریشه‌کن کردن استضعاف، تبعیض و تعصب و همچنین تأثیر آن در آموزش و پرورش و تنویر افکار عمومی معلوم می‌گردد (رک ون دایک، ۱۹۹۸). به همین علت گفته می‌شود که تحلیل گفتمان یکی از حوزه‌های میان رشته‌ای علوم انسانی است و در رشته‌های زبان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم ارتباطات، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی مورد توجه خاص است. در تأیید این گفته نظر خواننده را به بندی از نوشته یک استاد علوم سیاسی در باب «جهانی شدن فرهنگ و پسا تجددگرایی» (سلیمی، ۱۳۸۰) جلب می‌نمایم.

«... فرهنگ نظام معانی‌ای است که در دوران‌های مختلف تاریخی از اقتضاهای قدرت در آن دوره به وجود می‌آید. آنها ارزش‌های اصیل برای معانی‌ای که فرهنگ را می‌سازند قائل نیستند، بلکه معتقدند که قدرت در هر دوره تاریخی اقتضاهایی دارد و بر اساس این اقتضاها نظام‌های معانی را به وجود می‌آورد. حالا شاید حکم به این‌که قدرت، نظام معانی را به وجود می‌آورد با قدری مسامحه باشد چون آن جور که میشل فوکو می‌گوید قدرت عین معنا و دانش است و معنا و دانش عین قدرت است، یعنی شما نمی‌توانید تفکیک کنید و بگویید اینها صاحبان قدرت‌اند که چنین ارزش‌هایی را به شکل فرهنگ یا به شکل نظام معانی در جامعه می‌سازند. نظام معانی، قدرت را می‌سازد و قدرت، نظام معانی را. در حقیقت بین اینها یک نوع این همانی برقرار است و به عبارت دیگر بحث اصالت دیگر در کار نیست. معانی، فرهنگ را می‌سازند و نمی‌شود گفت که معانی ثابت‌اند و در طول تاریخ ثابت بوده‌اند.»

Leeuwen; T. A. van (1996). "The Representation of Social Actors" in Caldas - Coukthard, C. R. and Coulthard, M. (ed.). *Texas and Practices*. London: Routledge.

پی نوشت:

1. utterance
2. social Practice
3. ideological Structure
4. discursive Structures
5. fat Man
6. little Boy
7. long Range Missile
8. minute Man
9. theme
10. actional
11. event
12. enity
13. transactive
14. mental
15. non- transactive
16. actional
17. relational
18. attributive
19. equative
20. qualitive
21. possessive
22. mystification
23. nominalized
24. classification
25. evaluation
26. modality
27. underlying Ideological Structure
28. discursive Structures
29. discursive
30. discursive Manipulation
31. sociosemantic



نظام معانی به ترتیبی که در بند بالا بیان شده از طریق سازوکارهای گفتمانی، به نحوی که در این مقاله آورده شد، کشف و توصیف و تبیین می‌شود.

چهار مؤلفه گفتمان‌داری که در این مقاله برای تحلیل دو متن به کار گرفته شدند همگی ساختارهای زبان‌شناختی بودند که با الهام از هاج و کرس (۱۹۷۹) و فاولر (۱۹۹۱) تنظیم شده بودند. امروزه گفتمان‌شناسانی چون ون لوون (۱۹۹۶) از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی^{۳۱} در تحلیل بهره می‌گیرند که شاید بتواند تحلیل دقیق‌تری از متن را در اختیار ما بگذارد. یارمحمدی هم اکنون مشغول نگارش مقاله‌ای است که از این شیوه در تحلیل استفاده شده است.

کتابنامه

الف - منابع فارسی

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۷۷) «گفتار و گفتمان» راه نو، سال اول، شماره ۷.
- ۲- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، «گفتمان و تحلیل گفتمانی»، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۳- حجاریان، سعید (۱۳۷۹) «تحول گفتمان ترقی در اندیشه روشنفکران دینی» اطلاعات، شماره ۲۱۸۷۷، ۱۷ فروردین.
- ۴- سلیمی، حسین (۱۳۸۰) «جهانی شدن فرهنگ و پسامد تجددگرایی» نوز، شماره ۲۰۳، ۱۸ آذر.
- ۵- کدیور، جمیله (۱۳۷۹)، «تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو.
- ۶- یارمحمدی، لطف‌... (۱۳۷۸)، «زبان و فرهنگ، مصاحبه»، نامه فرهنگ، دوره سوم، شماره ۳، مسلسل ۳۴.
- ۷- یارمحمدی، لطف‌... (۱۳۷۹)، «بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان»، مترجم، سال ۹، شماره ۳۲.
- ۸- یارمحمدی، لطف‌... (۱۳۸۰)، «تناسب کاربرد روش‌های کمی و کیفی در تحلیل گفتمان‌ها»، نامه فرهنگ، دوره سوم، شماره ۳، مسلسل ۳۹.

ب - منابع انگلیسی

- DiJK; T. A. van (1998). "Opinions and Ideologies in the Press". In Bell; A. and Garrett; P. (eds.) *Approaches to Media Discourse*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Fairclough; N. (1995). *Critical Dscourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough; N. and Wodak; R. (1997). "Critical Discourse Analysis". In DiJK; T. A. V. van (ed.) *Discourse as Social Interaction (Discourse Studies: A Multidiciplinary Introduction. Vol. 2.)* London: Sage Publications.
- Fowler; R. (1991) *Language in the News: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.
- Ghane, M. H. (2001) *The Interaction of Language and Thought between Male and Famale among Persian and English Speakers*. Shiraz: Islamic Azad University M. A. Thesis.
- Hodge; R and Kress, G. (1979). *Language as Ideology*. London: Routledge.
- Khosravi- Nik, M (2000) *The Relationship between Ideologiactal Structures and Discursive Structures of the Editorials and Commentaries in a Selected Samples of Iranian Daily Newspapers*. Shiraz: Shiraz University M. A. Thesis.